

منظور از جنگ نرمی که اخیراً رهبر معظم انقلاب در سالگرد شهید سلیمانی مطرح فرمودند

شماره پرسش: ۳۰۰۵۸

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۷ ۰۵:۳۲:۳۶

متن پرسش

سلام استاد عزیز: منظور از جنگ نرمی که اخیراً رهبر معظم انقلاب در سالگرد شهید سلیمانی مطرح فرمودند چیست و شما نیز و همچنین همفکران شما به آن اشاره ای داشتید. آیا منظورشان این بود که با جریان غربگرا نرمش نشان داده تا مثلاً تحریمها رفع شود؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث آن مفصل است و در این رابطه یادداشت‌هایی شده است که بناست در جمع رفقا مورد بحث و بررسی قرار بگیرد. در این رابطه صرفاً آن یادداشت‌ها را خدمتتان ارسال می‌کنم ولی به نظر بنده نیاز به شرح و بسط دارد. موفق باشید

نهضت نرم‌افزاری

نسبت «حقیقت» و «قدرت» و یا «خسونت» و «ذلت»

باسمه تعالی

نکات مربوط به بیانات رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» در سالگرد شهادت شهید حاج قاسم سلیمانی در موضوع «غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی پوچ استکبار» عبارتند از:

الف- این تشییع میلیونی ژنرال‌های جنگ نرم استکبار را متحیر کرد که این چه حرکت عظیمی است که آن‌ها را شکست داد.

ب □ سیلی سخت به آمریکا، غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی پوچ استکبار است.

ج- مهم‌ترین سیلی به آمریکا همین حرکت مردمی عظیمی بود که انجام گرفت.

د- برادرها یک سیلی‌ای زدند، لکن سیلی سخت‌تر عبارت است از غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی پوچ استکبار. این سیلی سخت به آمریکا است که باید زده بشود. بایستی جوانان انقلابی ما و نخبگان مؤمن با همت، هیمنه‌ی استکباری را بشکنند.

با توجه به نکات فوق می توان گفت:

۱- اگر متوجهی حرکت نرم‌افزاری نباشیم، نمی‌فهمیم چرا در جنگ با صدام، شهادت را امری اساسی برای حضور در جهانی می‌دانیم که جهان «انقلاب اسلامی» است. یعنی اگر جایگاه حرکت نرم‌افزاری را نفهمیم، از عصری که در آن قرار گرفته‌ایم، آگاهی کاملی به دست نمی‌آوریم و ناخودآگاه در جهان خشونت و یا قدرت، جدای از حقیقت قرار می‌گیریم.

۲- جنگیدن برای نجات‌بخیدن، غیر از جنگیدن برای جنگیدن است و غیر از جستجوی معنای خود در جنگیدن است که در بستر شهادت‌طلبی شکل می‌گیرد.

۳- ژنرال‌های جنگ نرم به دنبال چه هستند و ما در جنگ نرم به دنبال چه چیزی باید باشیم که در عین آن که جنگ است، ولی حضوری نرم دارد و به جای خشونت صرف در مقابل خشونت صرف، تقابلی دیگر را جهت غلبه می‌خواهیم دنبال کنیم؟

۴- غرب‌زدگی، عین خشونت و داعشی‌گری است، و حاج قاسم نه تنها غرب خشونت نیست بلکه انسانی است که از غربی که عین تصرف است فاصله دارد. چون حاج قاسم خشونت در مقابل خشونت نبود، انسان‌ها حقیقت خود را در او احساس کردند.

۵- در حرکت غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی استکبار، بحث، بحث انتقام است و نه مصالحه، ولی راهی که باید در آن راه، آن انتقام انجام گیرد، کدام راه است؟ مسلم آن راه، راهی نیست که اراده‌ی معطوف به قدرت بتواند آن را درک کند.

۶- هرگز هیچ مصالحه‌ای بین ما و قاتلان ما صورت نخواهد گرفت، ولی چه چیزی در حرکت مردمی، در شهادت حاج قاسم سلیمانی صورت گرفت که رهبر معظم انقلاب «حفظه‌الله» آن را مهم‌ترین سیلی به آمریکا دانستند و سیلی سخت‌تر که غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی پوچ استکبار است و باید زده شود؛ چه خصوصیاتی باید داشته باشد؟

۷- آیا می‌توان قرآن و روایات و متون متفکران را در راستای حضور نرم‌افزاری همراه با انتقام خوانده شود، ولی نه آن‌طور که از آن‌ها خشونت به ظهور آید؟

۸- انتقام آری! ولی خشونت نه. مثل اشعاری که در جای خود انتقام است و شمشیر تیزی هستند که بدون خونریزی دشمن را می‌کشد.

۹- دفاع از حقیقت، با خود حقیقت ممکن است و نه با خشونت. ما در کجا باید باشیم که بتوانیم استکبار را بی‌معنا و بی‌هویت کنیم؟ بستر حضور تاریخی حاج قاسم راهی شد جهت این امر، امری که

در ذات انقلاب اسلامی نهفته است و همان ذات بود که مردم فهمیدند با آن حضور میلیونی کنشی مناسب مقابله با استکبار را به میان آوردند و رهبر معظم انقلاب در موضوع غلبه‌ی نرم‌افزاری بر هیمنه‌ی استکبار، متذکر این امر می‌شوند.

۱۰- آقای دکتر قاسم پورحسن می‌فرمایند: فارابی معتقد است سعادت حقیقی در بیرون از قدرت شکل می‌گیرد. معنای حقیقی قدرت باید وجودی باشد.

۱۱- آیا با تفکر به هویت حرکت نرم‌افزاری می‌توان در اکنون تاریخی خود بهتر حاضر شد، آن هم با رویکرد سیلی سخت به آمریکا در بستر انتقام از آمریکا جهت به شهادت‌رساندن حاج قاسم؟ انتقامی در بستر حقیقت و قدرت و نه در بستر خشونت و ذلت.

۱۲- در نسبت بین حقیقت و قدرت می‌توان به کربلا فکر کرد و شب عاشورا، که از یک طرف حضرت اباعبدالله «علیه‌السلام» فرمودند: همه فردا شهید خواهید شد. زیرا خود را در بستر حقیقتی یافتند که شهادت آن را معنا می‌کرد و از طرف دیگر فردا با تمام نیرو جنگیدند و نشان دادند دارای قدرت روحی بزرگی هستند که ترس در آن راه ندارد. راستی! بین شهادت حتمی حضرت ابوالفضل «علیه‌السلام» که از قبل می‌دانستند و آن همه دلاوری و قدرت‌نمایی، پیچیده‌ترین رازی نیست که می‌تواند مرز بین قدرت و خشونت را از هم جدا کند تا معلوم شود چگونه خشونت با ترس همراه است ولی قدرت، با پشتوانه‌ی حقیقت، شجاعت‌آفرین است؟

۱۳- ما در دعای شریف «ندبه» از عهدِ حضوری که حقیقت باید به صحنه آید، یک لحظه غفلت نمی‌کنیم و لذا قصه‌ی دعای «ندبه»، پایداری بر حقیقت است و نه ندبه‌ای که حکایت از ذلت و ترس باشد.

۱۴- انتقام سخت که انتقامی است پایدار و موجودیتِ دشمن را نشانه می‌گیرد، حتماً انتقامی است که در بستر حرکتی نرم محقق می‌شود تا هویت تاریخی دشمن استکباری بی‌معنا گردد. مانند حرکت حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها» به‌خصوص آن‌جایی که حضرت وصیت فرمودند مرا شبانه غسل دهید و کفن و دفن کنید. تا جریان مقابل هیچ کاری نتواند بکند، مگر آن‌که ناظر آب‌شدن و تبخیر به مرور خود در تاریخ باشد. «ام ابیها» بودن حضرت زهرا، مرضیه «سلام‌الله‌علیها» یعنی بعد از رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌واله» نیز باید این نهضت با روح مادرانه‌ی آن حضرت ادامه و پایدار بماند. لذا یک طرف خشونت است و جسارت به آستانه‌ی آن حضرت، و یک طرف حقیقت است و شجاعت، و این است که شیعه در ذکر مصائب آن حضرت متوجه‌ی رنجی می‌باشد که در مسیر به‌ظهورآوردن حقیقت در مقابل خشونت باید تحمل کرد تا معلوم شود پیروزی اصلی و انتقام سخت در حرکات نرم‌افزارانه نهفته است و هرکس باید در هر زمان مطابق دشمنی که در مقابل خود دارد، آن حرکت را به میان

۱۵- فاطمه «سلام‌الله‌علیها» و تاریخ آینده‌ی ما

هم او که «امّ ابیها» بود تا رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در تأسیس تاریخ اسلام بدون هویت نرم‌افزارانه، آن تاریخ را بنا نکنند و آن تاریخ، عقیم بماند؛ مهدی «صلوات‌الله‌علیه» نیز که بناست در مواجهه با، نه‌تنها با جاهلیت، که با همه‌ی فکرها و فرهنگ‌ها، تاریخِ قدسی خود را بنا کند؛ مسلم بدون به میان‌آوردن سیره‌ی زهرای مرضیه «سلام‌الله‌علیها» هیچ افقی در مقابل بشر نخواهد گشود، و لذا آن حضرت فرمودند: «إِنَّ لِي فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ أَسْوَأَ حَسَنَةً» از آن جهت که در شخصیت حضرت زهرا «سلام‌الله‌علیها»، حقیقت و حماسه، منجر به عبودیتی شده است که به حکم «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» تمام مقصد خلقت است. و این‌جا است که می‌بینیم هر روز بیشتر از روزهای گذشته‌ی تاریخ، فاطمه «سلام‌الله‌علیها» ظهور می‌کند تا معلوم شود مهدی «صلوات‌الله‌علیه» چه تاریخی را بنا است با مردم در میان بگذارد. آیا تاریخ آینده، تاریخی است که باید با فاطمه «سلام‌الله‌علیها» شروع شود و معنا پیدا کند؟ تاریخی که به جای حاکمیت اسلحه‌ها، حقیقت است که انسان‌ها را جلو می‌برد.